

سخن‌کاوی: خاستگاه، شیوه‌ها و کاربردها

The Discourse Reader, edited by Adam Jaworski & Nikolas Coupland, Routledge, 1999, 602 p.

کتاب شش بخش دارد و گردآوردگان بر هر بخش مقدمه بسیار مفیدی نوشته‌اند. مقدمه آغازین کتاب نیز مقدمه بسیار مفیدی است. کتاب جمعاً سی و چهار مقاله دارد که به سه موضوع خاستگاه‌ها، شیوه‌ها و کاربردهای سخن‌کاوی می‌پردازند. عناوین شش بخش کتاب عبارت‌اند از: (۱) سخن: معنا و بافت؛ (۲) شیوه‌ها و منابع مورد نیاز برای تحلیل سخن؛ (۳) توالی و ساختار؛ (۴) به توافق رسیدن بر سر روابط اجتماعی؛ (۵) هویت و ذهنیت؛ (۶) قدرت؛ ایدئولوژی و سلطه. در این نوشته برآنیم تا با بررسی مقدمه و ذکر مقالات ارائه شده در این کتاب، تصویر روشنی از سخن‌کاوی پیش‌روی خواننده قرار دهیم و در انجام چنین کاری از ساختار خود کتاب تبعیت کرده‌ایم.

مقدمه: چشم‌اندازهایی از سخن‌کاوی

دیوراشیفین (۱۹۹۴: ۲۴-۲۳) تعاریف متعددی از سخن‌گردآوری کرده و در کتاب خود، رویکردهایی به سخن، ارائه کرده است. اجازه دهید کار خود را با این تعاریف شروع کنیم: (۱) سخن عبارت است از: زبان در ورای جمله یا ورای جمله‌واره (استابز ۱۹۸۳: ۱)؛ (۲) مطالعه سخن، مطالعه کلیه جنبه‌های کاربرد زبانی است (فاسولد ۱۹۹۰: ۶۵)؛ (۳) تحلیل سخن، الزاماً تحلیل زبان در کاربرد آن است. بدین ترتیب، سخن را نمی‌توان به توصیف صورتهای زبانی، فارغ از اهداف یا نقشهایی محدود کرد، صورتهایی که بدان جهت طراحی شده‌اند تا مناسب امور انسانی باشند (براون و یول ۱۹۸۳: ۱)؛ (۴) با پشت سر گذاشتن جمله، قلمرو زبان به مثابه نظامی از نشانه‌ها را ترک کرده و به دنیای دیگری گام می‌گذاریم، یعنی دنیای زبان به مثابه ابزاری برای ارتباط؛ سخن، ابزار چنین دنیایی است (بنونیس ۱۹۷۱: ۱۱۰، به نقل از میلز ۱۹۹۷: ۵-۴)؛ (۵) من بر این باورم که به جای کاستن تدریجی از معنای نسبتاً متغیر واژه سخن، در واقع معنایی به معنای این واژه افزوده‌ام:

گاهی سخن را به مثابهٔ گسترهٔ عام تمام گفته‌ها تلقی می‌کنیم، گاهی سخن را به مثابهٔ گروهی فردیت طلب از گفته‌ها تلقی می‌کنیم و گاهی آن را به مثابهٔ عملی تحت ضابطه درآمد تلقی می‌کنیم که بسیاری از گفته‌ها را شرح می‌دهد (فوکو ۱۹۷۲: ۸۰، به نقل از میلز ۱۹۹۷: ۶)؛ فاولر می‌گوید که برنامه‌اش برای مطالعات ادبی این هدف را دنبال می‌کند تا مفهوم ادبیات را تغییر دهد و با حتی شالوده‌شکنی کند تا طیف گسترده‌ای از سخنها را افراد در درگیریهایی آگاهانهٔ خود با ایدئولوژی، تجربه و سازمان اجتماعی فعالانه به کار گیرند (فاولر ۱۹۸۱: ۱۹۹؛ ۷) سخن از دید من چیزی بیش از کاربرد زبانی است: سخن کاربرد زبانی (چه گفتاری و چه نوشتاری) است که بدان به چشم عملی اجتماعی می‌نگرند (فرکلاف ۱۹۹۲: ۲۸)؛ (۸) سخن اجتماعیات را شکل می‌دهد. سه بعد از اجتماعیات متمایزند - دانش، روابط اجتماعی و هویت اجتماعی - و این سه به ترتیب با سه کارکرد عمدهٔ زبان تطبیق دارند سخن را روابط قدرت شکل می‌دهند و ایدئولوژیها را به سخن منسوب می‌کنند (فرکلاف ۱۹۹۲: ۸)؛ (۹) بنابراین نظر لی، این واقعیت آزردهنده است که اصطلاح «سخن» را بدان منظور به کار می‌گیرند تا طیف گسترده‌ای از پدیده‌ها را دربرگیرد . . . طیف گسترده‌ای از اعمال، از پدیده‌های کاملاً مستندی همچون سخن جنسیت‌گرایانه تا شیوه‌های سخن‌گفتنی که تشخیص آنها در متون خاص آسان است، اما توصیف آنها با اصطلاحات عام مشکل است (سخن رقابتی، سخن اتحاد، و غیره) (لی ۱۹۹۲: ۱۹۷)؛ (۱۰) سخن . . . به زبان در کاربرد آن و در حکم فرایندی اشاره دارد که در اجتماع واقع شده است. اما . . . بحث بر سر نقش سازنده و پویای هم سخن گفتاری و هم سخن نوشتاری در برپایی زمینه‌های دانش و اعمال اجتماعی و نهادی مربوط به آن سخنها محدودیت نمی‌شناسد. بدین مفهوم، سخن، ابزاری است برای سخن گفتن و نوشتن دربارهٔ دنیاها و تحت تأثیر قرار دادن دنیاها؛ این ابزار مجموعه‌ای از اعمال اجتماعی را در درون این دنیاها شکل می‌دهد و خود نیز محصول همین اعمال اجتماعی است؛ در تحقق این امر، سخن به خلق مجدد و ساخت مجدد اعمال اجتماعی - استدلالی خاصی می‌پردازد که کلان جنبشهای دیگری در شکل‌گیری اجتماعی حاکم، آنها را محدود کرده یا تقویت می‌کنند (کاندلین ۱۹۹۷: ص ۹ مقدمه).

اگر این تعاریف و تعاریف دیگری را که در کتابهایی همچون کریستال (۱۹۹۱) و تراسک (۱۹۹۳) و امثالهم ارائه شده‌اند مرور کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که دو برداشت کلی در این زمینه موجود است: اول، آنهایی که بر زبان در کاربرد آن تأکید دارند، و دوم، آنهایی که معتقدند سخن در ورای زبان در کاربرد آن است. نمونه‌ای از نظر دوم را می‌توان در اظهارنظر زیر مشاهده کرد:

سخن کاربرد زبانی متناسب با شکل‌گیریهایی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است، بدین مفهوم که زبان نه تنها بیانگر ترتیب اجتماعی است که خود شکل دهندهٔ ترتیب اجتماعی و شکل دهندهٔ

تعامل افراد با اجتماع است. این عاملی است کلیدی در شرح این موضوع که چرا بسیاری از رشته‌های دانشگاهی، مفهوم سخن را با چنان اعتقاد محکمی دل‌مشغولی خود کرده‌اند. سخن نه تنها با حداکثر جدیت در محدودهٔ علائق زبان‌شناسان، منتقدین ادبی، نظریه‌پردازان انتقادی و دانشمندان علوم ارتباطات می‌گنجد، که مورد علاقهٔ جغرافیدانان، فلاسفه، متخصصان علوم سیاسی، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی و بسیاری دیگر نیز می‌باشد. علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی در میزان تأکید، سخن برای درک جامعه و پاسخهای انسانی به جامعه و همچنین درک خود زبان، مفهومی است که به گونه‌ای گریزناپذیر اهمیت یافته است (یاورسکی و کولپند ۱۹۹۹: ۳).

در پی نشان دادن علاقه به مطالعهٔ زبان در علوم دیگر و به خصوص علوم اجتماعی بود که بسیاری به بررسی خود این علاقه و چرایی رخ دادن آن پرداختند. کار به جایی رسید که در علوم اجتماعی از چرخش زبان‌شناسی سخن به میان آمد و این خود حاصل نگرش جدید به دانش و دانشگاهی از منظر دید دانشگاهیان بود. دربارهٔ دانش‌گفتنی است که ظاهراً دیگر آن اطمینان خاطر سابق به شیوه‌های سنتی در شرح پدیده‌ها و فرایندها کارایی خود را از دست داده است؛ در واقع، دانشگاهیان به جایی رسیده‌اند که محیط اجتماعی و فرهنگی خود را به خوبی درک می‌کنند و تفسیر می‌کنند و این افزایش میزان اهمیت سخن با کاهش شدید امنیت روشنفکرانه در آنچه می‌دانیم و آنچه معنای دانستن است، مقارن گشته است، یعنی تغییر در معرفت‌شناسی و تغییر در نظریه‌پردازی دربارهٔ دانش... این پرسش که ما چگونه دانش را بنا می‌کنیم مورد توجه بیشتری قرار گرفته است و این همان جایی است که مسائل مربوط به زبان و بازنمود زبانی در کانون توجه قرار گرفته و با دقت تمام شرح داده می‌شوند (همان: ۳-۴). در واقع، این نوعی صف‌بندی دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری دانش آکادمیک (و شاید کل دانش) است.

لی (۱۹۹۲) دلیل توجه زیاد به زبان را چنین شرح می‌دهد که مطالعهٔ آکادمیک بر مبنای طبقه‌بندی قرار دارد. از نظر وی دانش عبارت است از فرایند تعیین مرزهای بین طبقات و عنوان دادن به طبقات و بررسی روابط موجود بین این طبقات. دلیل اینکه روشنفکران تا بدین حد به زبان علاقه نشان داده و در واقع به نوعی وابسته شده‌اند این است که تنها از طریق زبان است که طبقه‌بندی ممکن می‌شود. اگر این حرف درست باشد، زبان دیگر آن رسانهٔ خنثی برای انتقال و دریافت دانش نیست؛ زبان جزئی کلیدی در ساخت دانش است. این بدان مفهوم است که بررسی علمی زبان، آن‌گونه که پیش از مباحثات سخن‌کاوانه مطرح بود، از کارایی لازم در برخورد با این نیاز جدید برخوردار نیست، زیرا:

زبان‌شناسی تمایل داشته است رشته‌ای درون‌نگر باشد. زبان‌شناسی هیچ‌گاه ارتباط بین زبان

و سخن را با افرادی به جز زبان‌شناسان درک نکرده است. می‌توان گفت تا تقریباً دهه هفتاد قرن بیستم، سنت حاکم در زبان‌شناسی به ویژه محدود بود و توجه خود را معطوف به فراهم نمودن توصیف‌هایی مناسب از دستور و تلفظ پاره‌گفتارها در سطح جمله کرده بود. ملاحظات معنایی به طور کلی، و به ویژه چگونگی ارتباط متقابل بین زبان، معنا و جامعه هنوز هم موضوعاتی کاملاً جدیدند. بنابراین، سخن‌کاوی هم‌حوزه نسبتاً جدیدی در زبان‌شناسی است که اهمیت یافته است و پا را از خواسته‌های اولیه خود فراتر نهاده است؛ خواست اولیه سخن‌کاوی توصیف جملات و کسب استقلال عمل به مثابه حوزه‌ای علمی در مطالعات آکادمیک بود. مطالعات زبانی، تحت عنوان سخن به مرحله‌ای رسیده‌اند که به مسائل بسیارگسترده‌ای پردازند. به عنوان مثال، زبان‌شناسان سخن‌کاو ساختار مکالمات، حکایات (روایات) و اشکال متفاوت متن نوشتاری، ظرفتهای معنایی تلویحی و چگونگی تعامل زبان در شکل گفتار را با ارتباط غیرزبانی (مثلاً بصری یا فضایی) تجزیه و تحلیل می‌کنند. آنان تحت عناوین پیوند و پیوستگی به مطالعه این امر می‌پردازند که یک عمل ارتباطی یا متن چگونه به اعمال یا متون قبلی وابسته است و افراد چگونه در خلق و استنباط معنی خلاقانه به تعامل می‌پردازند (یاورسکی و کولپند ۱۹۹۹: ۴).

معنای این حرف می‌تواند این باشد که سخن به دو دلیل و یا به واسطه دو تحول متفاوت و در عین حال همزمان اهمیت کسب کرده است: اول، چرخشی در نظریه‌پردازی عام دانش؛ و دوم، وسعت یافتن گستره دید در زبان‌شناسی و حاصل آن خواهد بود که زبان آنگاه که در مقام سخن مطالعه شود، درهای حوزه‌های جدید بی‌شماری را در جهت تحقیق انتقادی زندگی اجتماعی و فرهنگی به روی ما می‌گشاید: تحقیق در باب تشکل گروههای فرهنگی، تدبیر روابط اجتماعی، شکل‌گیری نهادهای اجتماعی، دوام تعصبات اجتماعی و امثال آن (همان: ۵).

اما عوامل دیگری نیز در برانگیختن علاقه به مطالعه سخن دخیل بوده‌اند. زندگی معاصر به ویژه در کشورهای مرفه و ثروتمند جهان ویژگیهای خاص خود را داراست. گیدنز (۱۹۹۱) این وضعیت را مدرنیته اخیر یا مدرنیته عالی نامیده است و برخی از آن با اصطلاح پست مدرنیسم نام می‌برند. نورمن فرکلاف (۱۹۹۲، ۱۹۹۵) به یک بخش از این پدیده با اصطلاح تکنولوژیک شدن سخن در جوامع بعد فوردی اشاره دارد که به آغاز تولید انبوه اتوموبیل و تحولات صنعتی از این دست نیم‌نگاهی می‌کند لذا:

کارگران تولید و مونتاژ شاغل در خطوط تولید، که از مصرف‌کنندگان اقلام تولیدی خود جدا شده‌اند، عمدتاً جای خود را به گروههایی از کارگران داده‌اند که با استفاده از کامپیوترها و ترمینالها در انجام انواع و اقسام وظایف ارتباطی یا به نمایندگی از شرکتهای خود در انواع و اقسام برخوردها و مواجهه شدنهای خدماتی با مشتریان، در قالب یک شبکه با هم در ارتباط‌اند. زبان، در معنای نسبتاً واقعی خود، در دنیاهای تدارک دیدن خدمات و به مصرف رساندن خدمات

اهمیت بیشتری می‌یابد، حتی اگر تنها در زبان ترغیب‌کننده فروش خدمات در محیط رقابتی بانکداری، شرکتهای بیمه یا انبار فروش تلفن باشد (یاورسکی و کولپند ۱۹۹۹: ۵).

عامل دیگر برانگیختن علاقه به سخن همانا رشد سریع رسانه‌های ارتباطی همچون ماهواره، رادیو تلویزیون، انتشارات، ارتباطات راه دور مثل موبایل یا ویدئو کنفرانس، پست الکترونیکی، خرید و فروش از طریق اینترنت، اطلاع‌رسانی و امثال آن است. در مواجهه با این وضعیت دو نوع تلاش صورت می‌گیرد: گروهی در جهت حفظ هر چه بیشتر استانداردهای زبانی، که سخت به آنها دل بسته‌اند، برنامه‌ریزی می‌کنند و با جدیت تمام به نقش قیم مآبانه خود از زبان ادامه می‌دهند، و گروهی با کار سخت بر روی زبان، آن را به گونه‌ای شکل می‌دهند و آماده می‌سازند تا توجه را در حد اعلاى خود جلب کند و در جهت اقناع دیگران نفوذپذیری بیشتری بیابد، همچون تبلیغات‌چی‌ها، روزنامه‌نگاران و چهره‌های رادیویی و تلویزیونی. در چنین شرایطی است که:

زبان خود باب بازار شده و به نوعی کالا تبدیل می‌شود و عرضه‌کنندگان آن می‌توانند با استفاده از مهارتهای زبانی و دستکاری متنی، کالاهای خود را در معرض فروش بگذارند. سخن دیگر صرفاً تابعی از کار نخواهد بود؛ سخن خود، کار می‌شود، دقیقاً همان‌طور که اشکال مختلف اوقات فراغت و ... مطالعه آکادمیک را تعریف می‌کند. تحلیل سخن هم به همین نسبت مهمتر و مهمتر می‌شود، در درجه نخست، برای آنانی که در اقتصادهای زبانی درگیری مستقیم تجاری دارند، و در درجه دوم، برای آنانی که نیازمند آن‌اند تا این گرایشها را شالوده‌شکنی کنند تا قدرت آنها را درک کنند و حتی به مخالفت با آنها برخیزند (همان: ۵-۶).

حال می‌توان پرسید منظور از کندوکاو در سخن چیست؟ مطمئناً جواب سخن‌کاوان انتقادی چیزی بیش از توصیف زبان در کاربرد آن است. سخن‌کاوی ابزاری را در اختیار ما قرار می‌دهد تا با استفاده از این ابزار، آن امور اجتماعی را به نمایش گذاریم و یا شالوده‌شکنی کنیم که ساختار اجتماعی و آنچه را می‌توان ساختارهای معنایی قراردادی زندگی اجتماعی نامید، تشکیل می‌دهند. سخن‌کاوی نوعی فعالیت قضایی با نوعی جبهه‌گیری سیاسی و آزاداندیشانه است. انگیزه کندوکاو در سخن اغلب علاقه‌ای است که به نابرابری اجتماعی و استمرار روابط قدرت، چه بین افراد و چه بین گروههای اجتماعی نشان داده می‌شود؛ هر چند در بسیاری از موارد از قبل قضاوت کردن درباره اخلاقی بودن یا اخلاقی نبودن مشکل است (همان: ۶).

تلقی سخن به مثابه زبان در کاربرد آن (یعنی برداشت اول) را می‌توان تعریف سخن در بنیادین‌ترین سطح دانست، اما برداشت دوم حرفهای بیشتری برای گفتن دارد. در واقع کانون توجه در یک تحلیل سخن می‌تواند بر دوگونه باشد: (۱) موضعی، مثل تحلیل مکالمه‌ای خاص بین دو فرد یا مداخلی در دفتر خاطرات؛ (۲) جهانی و انتزاعی. مورد دوم همان است که میشل فوکو و میشل پشو

(۱۹۸۲) از آن تحت عنوان رابطه موجود بین سخن و ایدئولوژی نام می‌برند و آن رابطه را تعیین‌کننده می‌دانند. پیش از در تضاد قرار گرفتن سخن با سخنی دیگر در سطح سازمان اجتماعی سخن می‌گوید و در باب چگونگی سازمان‌دهی جوامع از طریق کشمکشهای ایدئولوژیک و چگونگی دارای حق ویژه نسبی بودن برخی گروهها (مثلاً گروههای طبقاتی یا گروههای جنسیتی اجتماع) در دسترسی به شبکه‌های سخن خاص، نظریه خاص خود را داراست. جمع‌بندی یاورسکی و کولپند (همان: ۶-۷) بسیار گویاست:

سخن در اساسی‌ترین سطح را می‌توان زبان در کاربرد آن تعریف کرد، اما بسیاری به گونه‌ای معنی‌دار بیش از این تعریف را در خود دارند. سخن در بیان زاویه دید و نظامهای ارزشی افراد دخیل است؛ بسیاری از این زوایای دید و نظامهای ارزشی برحسب آنچه در زمینه‌های اجتماعی و نهادی خاصی، طبیعی یا مناسب می‌باشند، از قبل شکل گرفته‌اند. بنابراین، به اعمال سخن می‌توان به چشم به کارگیری و بسیج (و در واقع گاهی به چشم مقاومت در برابر) ایدئولوژیهای برتر نگریست. کانون توجه سخن‌کاوی معمولاً مطالعه متون خاصی (مثلاً مکالمات، مصاحبه‌ها، سخنرانیها و امثال آن یا اسناد مکتوبات گوناگون) است، اگرچه گاهی باور این است که سخن‌ها را نظامهای ارزشی انتزاعی می‌دانند که هیچ‌گاه مستقیماً در مقام متون ظاهر نمی‌گردند. متون محصولات خاصی هستند که به درجات گوناگونی نشان‌دهنده اعمال سخن جهانی و همچنین موضعی‌اند که در ارتباط با تولید و دریافت آن سخنان‌اند. سخن‌کاوی از توصیف و تفسیر تولید معنی و درک معنی در موقعیتهایی خاص گرفته تا تحلیل انتقادی ایدئولوژی و دسترسی به نظامهای معنی و شبکه‌های سخن را شامل می‌شود. زبان و سخن ظاهراً در ترتیبات اجتماعی مدرن اخیر و معاصر برجستگی خاصی دارند.

مطالبی که تاکنون در مقدمه بیان شده‌اند الزاماً ما را به این نکته خواهند رساند که سخن در محدوده‌ای بیش از خود زبان گسترده است. می‌دانیم که سخن فرایند است و متن محصول. بررسی این متون دو نکته را بر ما روشن می‌سازد: اولاً، سخنان چندوجهی‌اند؛ بدین مفهوم که از بیش از یک نظام نشانه‌شناختی بهره می‌گیرند. ثانیاً، سخنان چندصدایی‌اند؛ بدین مفهوم که بازتابی از صداهای متفاوت‌اند و یک یا چندین نفر از شنوندگان یا خوانندگان را مورد خطاب قرار می‌دهند. در مورد چندوجهی بودن سخن می‌توان از عناصری نام برد که یک آگهی تجاری تلویزیونی از آنها متشکل است: زبان گفتاری و زبان نوشتاری، تصاویر ساکن و متحرک، بازیگران واقعی و گرافیکهای نقاشی متحرک یا کامپیوتری، موسیقی و غیره. در مورد چندصدایی بودن سخن نیز از یک آگهی فرضی تجاری تلویزیون درباره اتوموبیل خواهیم گفت. این آگهی تماشاگران را در انبوهی از نقشها - در مقام راننده، عابر، متخصصان اتوموبیل، طالبان منزلت اجتماعی، والدین نگران سلامتی اطفال

خود، ناظران بودجه‌های خانوادگی و امثال آن - مورد خطاب قرار می‌دهد. صداهای متفاوتی که در این بافت شنیده می‌شوند (یا دیده می‌شوند) می‌توانند از طریق زبان گفتاری تحقق یابند. مثلاً تفسیری خشک و بی‌روح دربارهٔ امتیازات اتوموبیل، همچون امنیت، راحتی یا قیمت دلخواه آن. همچنین ممکن است از طریق علائم نوشتاری یا بصری یافت شوند. مثلاً آرم شرکت یا تصویر چاپی کوچکی از آگهی. عناصر سینمایی و موسیقایی نیز حضور خواهند داشت، مثلاً عکسهایی که نمایانگر مشخصه‌هایی از طراحی آن اتوموبیل یا ظاهر آن و عملکرد آن در جاده باشند، یا آهنگ مشهوری به همراه ترانه‌های مناسب و امثال آن (همان: ۷ و ۸).

در باب چند وجهی و چند صدایی بودن سخن، ذکر نکات زیر بارزش به نظر می‌رسد. اولاً این نظر که سخن ساختاری چندگانه دارد، از نخستین روزهای طرح سخن‌کاوی و اسلاف آن در زبان‌شناسی نقش‌گرا نظر حاکم بوده است. رومن یا کوبسون، مایکل هلیدی و دیگران تأکید داشتند که زبان در کاربرد آن بسیاری از نقشهای زبان را همزمان تحقق می‌بخشد، مثلاً نقش اطلاعاتی به موازات نقشهای رابطه‌ای و زیبایی‌شناختی. تأکید بر سخن چندوجهی به یک مفهوم، ادامهٔ این دیدگاه سنتی است، مخصوصاً زمانی که بتوان ثابت کرد منابع یا ابعاد نشانه‌شناختی متفاوت (مثلاً تصاویر بصری و متن زبانی در یک کتاب درسی) نقشهای ارتباطی متفاوتی را تحقق می‌بخشند. ثانیاً، در ارتباط با چندصدایی بودن سخن باید گفت که برخی از این صداها ممکن است به رقابت با یکدیگر برخیزند یا بازنمودی از علائق یا ایدئولوژیهای متضاد باشند (مثلاً امنیت در برابر سرعت بیش از حد). از نظر میخائیل باختین، سخن کلاً چندصدایی است، همان‌گونه که تمام کلمات و پاره‌گفتارها پژواکی از کلماتی دیگر و پاره‌گفتارهایی دیگرند که از میراث تاریخی، فرهنگی و ژنتیکی سخنگو و از شیوه‌هایی ناشی می‌شوند که این کلمات و پاره‌گفتارها قبلاً تفسیر شده‌اند. پس، به مفهومی عام‌تر، صداها را می‌توان سخنهایی تفسیر کرد - یعنی موقعیتها، ایدئولوژیها یا وضعیتهایی که سخنگویان و شنوندگان در مثالهایی خاص از تعاملات بازسازی شده اخذ می‌کنند. از آنجا که بسیاری از متون، یا حتی اکثر متون، بازتابی ناب از سخنهای منفرد نیستند، بنابراین تحلیل باید عنصر مهمی به نام مقایسهٔ متن با متن را داشته باشد تا تأثیر یک گونه یا یک نوع از متن بر متن دیگر قابل ردیابی باشد. این همان چیزی است که فرکلاف و دیگران با عنوان رویکرد بین‌متنی به سخن‌کاوی از آن نام می‌برند (همان: ۹).

شاید اکنون بتوان آنچه را که یاورسکی و کوپلند وظیفهٔ قضایی سخن‌کاوی می‌نامند، بهتر درک کرد؛ وظیفهٔ قضایی سخن‌کاوی عبارت است از دنبال کردن چگونگی تلفیق اشکال متنوع سخن

و ارزشها و فرضیات مربوط به آنها و تشکیل متنی خاص، چرایی این تلفیقا و شکل‌گرفتها و بررسی تأثیرات حاصله (همان).

کوپلند و یاورسکی (همان: ۹-۱۳) به بررسی جنبه دیگری از سخن پرداخته‌اند و آن جنبه لایه‌بندی معنای اجتماعی در سخن است. برای اثبات این نکته که سخنگویان در تعامل اجتماعی در سطوح متفاوتی به معنی دست می‌بند و در واقع، ماهیت ساختارمند گفتگوی روزمره خود تأییدی است بر الگوهای سازمان اجتماعی و در این میان، وظیفه سخن‌کاوی عبارت است از اثبات این نکته که اعمال اجتماعی و در این میان، وظیفه سخن‌کاوی عبارت است از اثبات این نکته که اعمال اجتماعی در سطح خرد چگونه به تشکیل ساختارهای اجتماعی در سطح کلان می‌انجامند. مثال کوپلند و یاورسکی مثال زیر است:

(The front door bell rings)

Mother: Open the door, darling. Who is it?

Rebecca: It's only Maggie.

Mother: (looking sheepish) Oh hello, Mrs. Thomson.

Mrs. Thomson: (Smiles) Hello.

در این قطعه منتخب از یک تعامل اجتماعی، منابع و سرنهایی موجودند که باید از آنها بهره‌برداری کرد و از آنها سر درآورد تا بتوان از تعامل سر درآورد. شکی نیست که در این تعامل، موقعیت باعث ناراحتی مادر شده است و در کلمه sheepish (دستپاچه) آمده است، شاید به این دلیل که دختر، خانم تامسون را Maggie خطاب کرده است و به خصوص با به کار بردن only موجب دستپاچگی بیشتری شده است. این امر بدان دلیل تشدید شده است که مادر به این نتیجه می‌رسد که خانم تامسون هم خطاب Maggie هم به کار بردن only را شنیده است. این بدان معنی است که در خطاب کوچکترها به بزرگترها قواعد اجتماعی خاصی حاکم است و ما در هر موقعیتی مجاز نیستیم از این قواعد تخطی کنیم؛ در واقع، در این باره نوعی اتفاق نظر اجتماعی وجود دارد.

نکته دیگری که می‌توان درک کرد همانا این مطلب است که این خطاب به بزرگتر از جانب فردی است که مستخدم است و مادر را بیشتر دستپاچه کرده است. در پس این تبادل:

پژواکهای به ویژه تندی از طبقه اجتماعی و قدرت اقتصادی وجود دارد و این پژواکها، عنصری از معنای آن تبادل را تشکیل می‌دهند. اما روکردن این فرضیات زیربنایی سیاسی و اقتصادی تابوی اجتماعی است و زیر پا گذاشتن غیر عمدی این تابو از سوی ربه‌کاست که احتمالاً باعث

دستپاچگی مادرش نیز شده است. از طرف دیگر، عنصری به نام درک وجود دارد که در لبخند خانم تامسون نهفته است و شاید بر این دلالت دارد که وی درک می‌کند ربه‌کا به طور کامل نمی‌تواند قراردادها یا قواعد اجتماعی در خطاب به بزرگترها را برآورده کند. این لبخند ممکن است تلاشی باشد در جهت تخفیف دادن ناراحتی‌ای که مادر احساس می‌کند. از سوی دیگر، لبخند خانم تامسون نیز می‌تواند واکنشی مهربانانه به حرف ربه‌کا باشد. از نظر وی، واکنشی جز این نشان دادن و ابراز رنجش می‌تواند به معنای زیر پا گذاشتن تابوی دیگری باشد. در هر صورت، دقت کنید که دسترسی ما به معنای تعامل بستگی به این دارد که ما چگونه این عناوین را به افراد وابسته کنیم و افراد چگونه به دیگران عنوان دهند (همان: ۱۱).

اما دو عنصر زمان و مکان را نیز می‌توان نادیده گرفت. در واقع، بخش دیگری از آنچه در تعامل به مثابه معنی کسب می‌شود، بستگی به زمان‌بندی و تعیین جای دقیق دارد. علت دستپاچگی مادر نیز می‌تواند این باشد که پاره‌گفتار *It's only Maggie* در موقعیتی گفته شده است که هر سه شرکت‌کننده رودررو با هم هستند. شاید خطاب *Maggie* در جایی که وی حضور ندارد، چندان تابو نباشد، اما حضور خانم تامسون در مقام شنونده غیرمجاز (به گفته گافمن ۱۹۸۱: ۱۳۲) شنونده اتفاقی) گفته ربه‌کا، توقعات را دستخوش تغییر می‌کند و شکل مناسب خود را می‌طلبد و اهمیت این مطلب را در کاربرد *oh* می‌بینیم.

کوپلند و یاورسکی (همان: ۱۳-۱۲) نه جنبه از سخن را مطرح کرده‌اند؛ این جنبه‌ها ما را در درک چگونگی عملکرد سخن در مقام واقعه سخن‌یاری می‌دهند: (۱) معنای یک واقعه یا معنای یک پاره‌گفتار منفرد را تنها تا حدی می‌توان بر اساس مشخصه‌های صوری (یعنی براساس معنای بلاواسطه کلمات به کار برده شده) شرح داد. اهمیت اجتماعی سخن (اگر آن را صرفاً زبان درکاربرد آن تعریف کنیم) در رابطه موجود بین معانی زبان‌شناختی و بافت گسترده‌تری (یعنی ویژگیهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جمعیت‌شناختی و دیگر ویژگیهای واقعه سخن) نهفته است که در آن بافت، تعامل واقع می‌شود؛ (۲) بنابراین، تفسیر ما از سخن به میزان بیشتری به آن چیزی مربوط است که شرکت‌کنندگان انجام می‌دهند، تا به آن چیزی که شرکت‌کنندگان می‌گویند (یا می‌نویسند، یا نقاشی می‌کنند، یا بدان اشاره می‌کنند). این بدان معنی است که تحلیل نقش بنیاد زبان و دیگر نظامهای نشانه‌شناختی، اصل تحلیل سخن است؛ (۳) کلیه جنبه‌های معناسازی، اعمالی از نوع تفسیر می‌باشند. انتساب معنی به اعمال استدلالی هیچ‌گاه فرایندی خنثی یا فارغ از ارزش نیست؛ (۴) تمایز قائل شدن بین معانی (از جمله اهداف و مقاصد) که مشاهده‌کنندگان با استنتاج به دست آورده‌اند اهمیت دارد. تحلیل سخن اغلب استنتاج استنتاج‌جهاست؛ (۵) مقوله‌بندی اجتماعی تفسیری حائز کمال اهمیت هستند؛ زبان ما مقولات بسیاری را در اختیار ما می‌گذارد که طبیعی

یا بدیهی به نظر می‌رسند، هر چند به احتمال زیاد مقولات در زمان و مکان معینی طبیعی یا بدیهی‌اند؛ ممکن است آنها کاملاً به فرهنگ خاصی تعلق داشته باشند یا فردی باشند (یعنی مورد علاقه یک فرد خاص باشند)؛ ۶) تنها از طریق داده‌های متنی، که از طریق مشاهده (ضبط سمعی و بصری) گردآوری کنیم، است که می‌توانیم به سخن دسترسی داشته باشیم. این بدان معنی است که متون مورد تحلیل ما، همیشه پالایش می‌شوند یا با واسطه ارائه می‌شوند؛ متون ذاتاً شکلی از ساخت اجتماعی یا بازسازی اجتماعی‌اند؛ ۷) بیان زبانی (همچون گفتار یا نوشتار) خود اغلب نیازمند آن‌اند که با دیگر جنبه‌های فیزیکی، زمانی یا رفتاری موقعیت اجتماعی در ارتباط باشند، جنبه‌هایی همچون حرکت بدن و همزمانی اعمال. سخن چیزی بیش از زبان (کلامی/آوایی) صرف است؛ ۸) با توجه دقیق به نمونه‌های خاصی از زبان در کاربرد آن و خوانش انتقادی این نمونه‌های خاص از زبان در کاربرد آن، آنگاه که به جنبه‌های دیگر بافت اجتماعی پیوند بخورند، شیوه‌ای مطمئن حاصل می‌آید تا از فرضیات طبیعی و اغلب نانوشته و پنهان در پس ارتباط سر درآورد. هر چند تفسیر، همیشه عناصری از ذهنیت را در خود دارد، اما ارتباط بر مبنای تعامل مرتبط و ذهنی (بین ذهنیت) قرار دارد. احتمالاً رویکردی صورتی‌تر، بین ذهنیت خلاقانه تعامل اجتماعی را بر باد خواهد داد... ۹) سخن‌کاوی شیوه‌ای را در دسترس ما قرار می‌دهد که تحلیل ویژگیهای موضوعی ارتباط با آن به تحلیل ویژگیهای اجتماعی گسترده‌تر پیوند می‌خورند. سخن‌کاوی این امکان را به ما می‌دهد تا ببینیم خود ساختارها چگونه کلان ساختارها را تداوم بخشیده و به انجام می‌رسانند.

کوپلند و یاورسکی (همان: ۳۵-۱۴) سپس به بررسی سنتهای سخن‌کاوی می‌پردازند. این سنتها از دید آنان عبارت‌اند از: ۱) تئوری کارگفت، ۲) مکالمه‌کاوی، ۳) روان‌شناسی استدلالی، ۴) قوم‌نگاری ارتباط، ۵) جامعه‌شناسی تعاملی، ۶) روایت‌کاوی، ۷) سخن‌کاوی انتقادی. فهرست مقالات ارائه شده در کتاب به قرار زیر است:

۱ سخن: معنی و بافت

- ۱-۱ زبان‌شناسی و فن شعر (یاکوبسون Jakobson).
- ۲-۱ نقش کلمات در سر و سامان دادن به اوضاع و احوال (آستین Austin)
- ۳-۱ منطق و مکالمه (گرایس Grice)
- ۴-۱ روالهای تفسیری (سیسورل Cicourel)
- ۵-۱ دانش اجتماعی فرهنگی موجود در استنباط مکالمه‌ای (گامپرز Gumperz)
- ۶-۱ گفتگو و ساختار اجتماعی (شگلوف Schegloff)
- ۷-۱ مسئله‌ای به نام ژانرهای گفتار (باختین Bakhtin)

۲ شیوه‌ها و منابع مورد نیاز برای تحلیل سخن

۱-۲ قدرت/دانش: جنبه‌های سیاسی علوم اجتماعی (کامرون، فریزر، هاروی رمپتون و ریچاردسون
(Cameron, Frazer, Harvey, Rampton and Richardson

۲-۲ نشانه‌گذاری آوانوشت‌های پیشنهادی جفرسون (اتکینسون و هریتج
Atkinson and Heritage)

۳-۲ آوانگاری در مقام تئوری (اُکس)
(Ochs)

۴-۲ تحلیل زبان‌شناختی و بین‌متنی در حوزه سخن‌کاوی (فرکلاف)
(Fairclough)

۳ توالی و ساختار

دیدیم که توالی و ساختار موضوعات مورد علاقه اصلی مکالمه‌کاوی‌اند. بسیاری از رویکردهای دیگر به سخن بر این امر تأکید دارند که متون و سخنها چگونه در مقام موجودیتهای طرح‌دار سازماندهی می‌شوند... اگر سخنها (بنا به تعریف فرکلاف) مجموعه‌های سازمان‌یافته‌ای از معانی و ارزشهای ایدئولوژیک باشند، در آن صورت کشف طرحها در سخن هدف اصلی است. در واقع، طرح‌مندی سخن، ساخت ساختارهای اجتماعی و ایدئولوژیهاست. بنا به اصطلاحات مکالمه‌کاوی، انواع سازمان‌دهی که تعامل گران ارائه می‌دهند و در گفتگوی خود باز تولید می‌کنند، جنبه‌های اساسی از ساختار اجتماعی و جنبه‌های اساسی از آن چیزی را شکل می‌دهند که گیدنز ساخت‌بندی نامیده است. بنابراین... رابطه‌ای مستقیم بین تولید مکالمه‌ای نظم و ترتیب تعامل و تولید نظم و ترتیب اجتماعی هست. در اینجا ما به یکی از شیوه‌های اصلی می‌پردازیم که سخن‌کاوی می‌تواند با استفاده از تفسیر در سطح خرد (زبانی-متنی، بین‌متنی) به شرح فرایندهای سطح کلان (اجتماعی، فرهنگی ایدئولوژیک) بپردازد.

۱-۳ تبدیل تجربه به روایت (لباو Labov)

۲-۳ حکایت خبری در مقام روایت (بل Bell)

۳-۳ همه مجبورند دروغ بگویند (ساکس Sacks)

۴-۳ آغاز پایانها (شگلوف و ساکس Schegloff and Sacks)

۵-۳ Oh در مقام نشانگری از تدبیر اطلاعات (شیفرین Schiffrin)

۴ به توافق رسیدن بر سر روابط اجتماعی

ثابت شده است که زبان در کاربرد چند نقشی است؛ با این همه، وقتی به برخی افراد گفته می‌شود که سخن را نه تنها برای تبادل اطلاعات به کار می‌گیرند، که به همان نسبت در شکل‌دهی روابط

بین شخصی و بین گروهی نیز نقش دارد، انگار خبر تازه‌ای به آنان داده‌اند. در یک بررسی درباره آگاهی زبان دانشجویان دوره لیسانس (یاورسکی ۱۹۹۵)، یاورسکی خود از آن خبر می‌دهد که بعد رابطه‌ای زبان بعدی بود که بنا به اظهار دانشجویان کمترین آگاهی را از آن داشته‌اند، البته قبل از آن که به مطالعات سخن پردازند. اما مطالعات جنبه‌های رابطه‌ای ارتباط در مردم‌شناسی اجتماعی و فرهنگی سابقه‌ای طولانی دارند.

۱-۴ پیرامون باب صحبت‌گشایی (مالینوفسکی Malinowski)

۲-۴ در خصوص امر خطیر آبروداری: تحلیلی بر عناصر لایتغیر و آئینی در تعامل اجتماعی (گافمن Goffman)

۳-۴ ادب و نزاکت: چند همگانی در کاربرد زبانی (براون و لوینسون Brown and Levinson)

۴-۴ زنان، مردان و ادب و نزاکت: پاسخهای خوشایند و ناخوشایند (هولمز Holmes)

۵-۴ چارچوبهای تعاملی و طرح‌واره‌های دانش: مثالهایی از یک معاینه/مشاوره پزشکی (تانن و والات Tannen and Wallat)

۶-۴ چانه‌زنی بر سر بافت در تعامل رودرو (کندون Kendon)

۷-۴ بازنمود و تعامل: طراحی موقعیت بیننده (کرس و لیوون Kress and Leeuven)

۵ هویت و ذهنیت

دیدیم که گافمن شرکت‌کنندگان در یک رخداد ارتباطی را افرادی می‌داند که در شکلی از عمل اجتماعی شرکت دارند. وی با تعمیم دادن به این استعاره نمایشی خود ... و در برخی موارد عملاً با ارجاع به چگونگی خلق تأثیر دراماتیک خاص توسط عاملان اجتماعی (گافمن: ۱۹۵۹) به تحلیل این موضوع می‌پردازد که افراد چگونه ارائه خود را تدبیر می‌کنند. بنابراین، ارتباط فرایندی لایتغیر و آئینی شده است که به شرکت‌کنندگان این امکان را می‌دهد تا گونه‌های مطلوبی از هویت خود را در یک رشته اجرا ساخته و منعکس سازند که مخاطبان خاصی را هدف خود قرار داده‌اند. با توجه به استقلال عاملان اجتماعی در مکالمه، رفتار هر کدام از شرکت‌کنندگان در روابط اجتماعی و هویتها را برای دیگر اعضای همان گروه شرح داده و ترسیم می‌کند. این شیوه‌ای روشن است که در آن می‌توان ثابت کرد که معنای اجتماعی و تعاملی امکان بروز یافته است و تنوع و پویایی هویت‌های عاملان اجتماعی را فراهم کرده است؛ منظور از متنوع و پویا، انعطاف‌پذیر و تغییرپذیر بودن در جریان تعامل است.

این مفهوم‌پردازی از تعامل به مثابه تئاتری که بازیکنانی اجتماعی دارد که نقشهای متفاوتی را

بازی می‌کنند، به ویژه در مطالعه حکایتها پرطنین است. در واقع، ... رویکرد گافمن این امکان را برای کاترین یانگ در مقاله خود فراهم می‌سازد تا سخنگو را از موضوع حکایت تفکیک کند:

اروینگ گافمن دلیل می‌آورد که افراد با هدایت کردن برداشتهای کنترل شده خود مانعی بر سر راه ارائه خود هستند و این الزاماً به قصد فریبکاری نیست، بلکه در جهت تأیید یک واقعیت، یک رخداد و یک خود است. از بعد ساختاری، این خود به دوجنبه تقسیم می‌شود: (۱) اجراکننده که این برداشتها را می‌سازد و (۲) آن شخصیتی که در بحری غوطه‌ور است که در اجرای حاضر آن را حاصل آورده است ... (ص ۴۳۰-۴۲۹)

تحقیقات جدیدتری که بر روی خود انجام شده است این نظرات را تأیید می‌کنند؛ این نظرات بیان می‌دارند که ما در سخن با انواع و اقسام هویت‌های شخصی و اجتماعی سروکار داریم. به عنوان مثال، آنتونی گیدنز ... به پروژه بازتابی خود اشاره دارد ... وی هویت را به مثابه یک فرایند (و نه یک حالت) و به مثابه یک سری انتخابها مطرح می‌سازد که فرد پیوسته درباره خود و شیوه زندگی خود طرح می‌کند تا مجموعه‌ای از ویژگیهای شخصی و به مثابه حاصل روابط خود با دیگران. هر چند گیدنز برنامه‌ای با جهت‌گیری تجربی برای تحلیل چگونگی تولید این فرایندها ... ارائه نمی‌کند، اما وی سخن را در کانون نظریه‌اش از خود قرار می‌دهد و در انجام این کار استعاره‌ای استدلالی از هویتها را برمی‌گزیند و تعبیر حکایت‌های شرح حالی از آنها ارائه می‌کند.

۱-۵ نوگرایی و هویت خود: محنت‌های خود (گیدنز Giddens)

۲-۵ تجسم‌های حکایت: برون بوم‌های خود در قلمرو پزشکی (یانگ Young)

۳-۵ اجرای هویت جنسیتی: گفتگوی مردان جوان و ساختار مردانگی طرفدار ناهم‌جنس‌گرایی (کامرون Cameron)

۴-۵ سبک مکالمه‌ای یهودیان نیویورک (تانن Tannen)

۶ قدرت، ایدئولوژی و سلطه

۱-۶ زبان و قدرت نمادین (بورديو Bordieu)

۲-۶ تحریض به سخن (فوکو Foucault)

۳-۶ زنانی که پول خرج امور جنسی خود می‌کنند و از آن لذت می‌برند: لغزشهای اخلاقی در مقابل رعایت اصول اخلاقی در مجلات زنانه (کالداس کولتارد Caldas-Coulthard)

۴-۶ سخن و تکذیب ژن‌ادپرستی (وان دایک Van Dijk)

۵-۶ استدلال عقل کل مآبانه در یک آزمون روانپزشکی: برطرف کردن تعارض در زبان (مهان Mehan)

۶-۶ قدرت در سخن: نمونه مباحثات در یک نمایش گفتگوی رادیویی در بریتانیا (هاچبای
(Hutchby

مجید باغینی پور

کتابنامه

- Benveniste, E., 1971. *Problems in General Linguistics*. Florida: University of Miami Press.
- Brown, G., & Yule, G., 1983. *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Candlin, C. N., 1997. 'General editors preface', in Gunnarsson, B.-L., Linell, P. and Nordberg, B., (eds). *The Construction of Professional Discourse*. London: Longman, ix-xiv.
- Cheepen, C., 1988. *The Predictability of Everyday Conversation*. London: Pinter.
- Crystal, D., 1992. *A Dictionary of linguistics and Phonetics*. London: Basil Blackwell.
- Fairclough, N., 1992. 'Introduction', in Fairclough, N., (ed.), *Critical Language Awareness*. London: Longman.
- Fairclough, N., 1995. *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. London: Longman.
- Fasold, R., 1990. *Sociolinguistics of Language*. Oxford: Blackwell.
- Foucault, M., 1972. *The Archaeology of Knowledge*. Trans. Smith, S., London: Tavistock.
- Fowler, R., 1981. *Literature as social Discourse: The Practice of Linguistic Criticism*. London: Batsford Academic.
- Goffman, E., 1981. 'Footing', in Goffman, E. *Forms of Talk*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 124-159.
- Goffman, E., 1959. *The Presentation of Self in Everyday Life*. New York: Anchor Books.
- Holmes, J., 1995. *Women, Men and Politeness*. London: Longman.
- Jaworski, A., 1995. 'Language Awareness in applied linguistics students: evidence from "linguistic & cultural Heritage Essays"', in Alatis, J. E., Strahle, C. A., Gallenberger, B. and Ronkin, M., (eds.), *Georgetown University Round Table on language and linguistics*. 1995, Washington DC: Georgetown University Press, 213-229.
- Laver, J., 1974. 'Communicative functions of phatic communion', in Kendon, A., Harris, R. M., and Ritche Key, M., (eds.), *Organization of Behavior in Face-to-Face Interaction*. the Hague: Mouton, 215-238.

- Laver, J., 1981. 'Linguistic routines and politeness in greeting and parting', in Coulmas, F. (ed.), *Conversations Routines: Explorations in standardized communication situations and prepatterned speech*. The Hague: Mouton, 289-304.
- Leach, E. R., 1976. *Culture and Communication: The Logic by Which Symbols are Connected*. An Introduction to the use of structuralist, analysis in social anthropology, Cambridge: Cambridge University Press.
- Lee, D., 1992. *Competing Discourses*. London: Longman.
- Mills, R., 1997. *Discourse*. London: Routledge.
- Pêcheux, M., 1982. *Language, Semantics and Ideology*. Basingstoke: Macmillan.
- Schiffrin, D., 1994. *Approaches to Discourse*. Oxford: Blackwell.
- Stubbs, M., 1983. *Discourse Analysis*. Chicago: University of Chicago Press.
- Trask, R. L., 1993. *A Dictionary of Grammmatical terms in Linguistics*. London: Routledge.
- Van Dijk, T., 1988. *News Analysis: Case Studies of International and National News in the Press*. Hillsdale, N. J.: Lawrence Erlbaum.

مرکز نشر دانشگاهی منتشر می‌کند:

پژوهشهای ایران‌شناختی

مجله مطالعات ایرانی به زبان آلمانی

سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۳

Manche Aufsätze in diesem Heft:

Zur Geschichte der Iranistik an der Universität Göttingen,
1869-1974/Ludwig Paul

Zur Artikelentstehung in den iranischen Sprachen/Antje Wendtland

Das Überleben eines sehr alten persischen Titels in Zentralasien/

Touraj Daryaee

Ankündigung eines prosopographischen Projekts/Ursula Weber

Aspekte des populären iranischen Films in Iran. *Do Zan*-Film, Presse und

Diskurs/Katja Föllmer

Goethe und das persische Drama/Touradj Rahnema

Goethes Werk in Hafis' Sprache/Hamid Tafazoli